

## فصلنامه تاریخ اسلام

سال سیزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، شماره مسلسل ۵۰

## درآمدی بر روش‌شناسی آثار تاریخی دکتر سید جعفر شهیدی

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۱/۷/۲۹

دکتر تورج زینی‌وند\*

سید جعفر شهیدی، مورخ و اسلام‌شناس معاصر، شیوه و سبک ویژه‌ای در تدوین و نگارش کتاب‌های تاریخی دارد. حقیقت‌جویی، پرهیز از تعصب قومی و مذهبی، دقت در بررسی جریان‌های تاریخی، روشنی و صراحت بیان، پرهیز از اغراق و مبالغه، کاربرد استشهاد و تمثیل، استناد به منابع معتبر تاریخی و رویکرد نقدی به آنها، کاربرد ترکیب‌های عطفی و تفسیری، ترکیب‌سازی‌های جدید و شیوا و استفاده از واژه‌ها و ترکیب‌های عربی از ویژگی‌ها و سبک‌های زبانی وی در دانش تاریخ هستند که در این مقاله به تحلیل و توصیف آنها پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سید جعفر شهیدی، روش‌شناسی، تاریخ، نقد تاریخی، تاریخ‌نگاری.

\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه.

## مقدمه

در آغاز این جستار، لازم است گفتاری کوتاه درباره مفهوم روش‌شناسی تاریخی و شرایط آن ارائه شود. مقصود از روش‌شناسی تاریخی در این پژوهش همان «متدولوژی»<sup>۱</sup> است که مورخ در آن براساس مجموعه‌ای از اصول و قوانین عمل می‌کند. این اصول برای رسیدن به هدف، کشف حقیقت و حل مسئله یا اثبات آن، ارائه نظر شایسته، داوری صحیح، تجزیه، تحلیل و ترکیب یافته‌ها است.<sup>۲</sup>

به عبارت دیگر، پژوهش تاریخی باید دارای اعتبار و ارزش علمی باشد و برای دست یافتن به این منظور غایی، یک محقق تاریخ یا مورخ، ناگزیر به رعایت اصول و مقرراتی است که در سابق، نویسندگان تاریخ مراعات نمی‌کردند. این اصول و مقررات خاص را «روش تحقیق در تاریخ» یا «روش تاریخ‌نگاری» می‌نامند.<sup>۳</sup>

دیدگاه اندیشمندان تاریخ درباره شرایطی که یک اثر تحقیقی - تاریخی از نظر روش تحقیق و سبک نگارش باید داشته باشد، گوناگون است. از این رو، برای پرهیز از پرداختن به این جریان، تلاش می‌شود با دقت در برخی از این آثار، ترکیبی از یافته‌ها درباره روش تحقیق در تاریخ به اختصار ارائه شود و مطالعه تفصیلی آنها نیازمند مراجعه معتبر است. از جمله این اصول، عبارت‌اند از:

۱. آگاهی از مکتب‌ها و سنت‌های تاریخ‌نویسی، شناخت روش و هدف، تمییز تاریخ از اسطوره، نقد و ارزیابی اسناد و مدارک، دقت و احتیاط در تفسیر و تحلیل، نقد و تفسیر معقول و منطقی.<sup>۴</sup>

۲. زمان‌سنجی، بررسی شواهد و مدارک به شیوه‌های علمی، مطالعه و بررسی اسامی خاص.<sup>۵</sup>

۳. اهتمام به واقعیت و اصل علیت.<sup>۶</sup>

۴. بررسی خصوصیت اسناد و مدارک، آگاهی از منابع و اسناد مدارک، اهتمام به واقعیت و حقیقت، استفاده از روش قیاسی و تجزیه و تحلیل، جمع‌آوری مدارک و مطالعه، بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی آنها، پیوند تاریخ با قوانین زندگی اجتماعی و دیگر دانش‌ها

به ویژه جامعه شناسی، فلسفه و مردم شناسی.<sup>۷</sup>

۵. تأکید بر علت و معلول در تحلیل رخدادهای تاریخی.<sup>۸</sup>

۶. کیفیت خوب منابع و کمیّت لازم و کافی آنها، عدم توجّه به کلیّات وقایع و رویدادها، در تحقیق به عوامل متن وقایع و به علل و موجبات پیدایش آنها و کشف نتایج و آثار وقایع توجه شده باشد، بسط و تفصیل هریک از مباحث به اندازه لزوم، رعایت تسلسل و توالی حوادث مهم انسانی به طور منطقی، پرهیز از پیش داوری، رعایت امانت در نقل موارد و اخبار، آگاهی از نقش جغرافیا، اقتصاد و فرهنگ، اهمیت دادن به تحولات اجتماعی از نظر سبک و اسلوب نگارش، پای بندی به اصول دستور زبان و قواعد نگارش ادبی و رعایت ساده نویسی و پرهیز از پیچیده گویی.<sup>۹</sup>

۷. نقد و بررسی و مطالعه مدارک مادّی (ساختمان و عمارت)، معنوی و فرهنگی (مجسمه، کتیبه)، تفکیک و دسته بندی منابع به دو دسته منابع اصلی و فرعی، آگاهی از دانش های «منبعی بنیادی تاریخ» برای فهم و درک تاریخ مانند اسناد و مخطوطات، روزنامه و مجله، زبان شناسی و خط شناسی، آگاهی از دانش های منبعی کمک کار مانند جغرافیای طبیعی و انسانی و انسان شناسی، پرهیز از عاطفه، خودنمایی، خودخواهی، شهرت طلبی، غرض ورزی، بدبینی بی جا و عوام فریبی، تعیین ارزش و اعتبار اخبار و گواهی. علاوه بر این، مؤرخان اسلامی برای فهم، درک و تحلیل تاریخ اسلام، نیازمند آگاهی از علوم خالص اسلامی مانند علوم تفسیر قرآن کریم، علم ادیان، قصص انبیاء، علوم حدیث، رجال، کلام، فقه و ادبیات اسلامی هستند.<sup>۱۰</sup>

۸. استفاده از فناوری های جدید و پیشرفته در تحلیل و تفسیر پدیده های تاریخی.<sup>۱۱</sup>

در این پژوهش، تلاش می شود برخی از مؤلفه ها و اصول برجسته ای که بیان شد در آثار تاریخی سید جعفر شهیدی بررسی و ارزیابی شوند و پرداختن تفصیلی به هریک از این موارد، نیازمند پژوهش های مستقلی است که در حجم این مقاله نمی گنجد.

بیشتر پژوهش گران معاصر، دکتر سید جعفر شهیدی (۱۳۹۷ - ۱۳۸۶) را با وصف هایی هم چون مؤرخ، اسلام شناس، ادیب، مترجم، مصحح و مجتهد می شناسند. تعداد زیاد این

لقب‌ها و عنوان‌ها، حکایت از وجود اندیشمندی توانا و علامه‌ای فرزانه در روزگار ما دارد که بیشتر روزهای عمر خویش را به مطالعه و پژوهش در حوزه‌های گوناگون گذرانده است.

از این‌رو، بررسی ابعاد گوناگون فکری و شخصیتی ایشان، نیازمند پژوهش‌های تخصصی و مستقل است؛ زیرا سبک و اندیشه شهیدی به عنوان یک مورخ و اسلام‌شناس با روحیه و سبک شهیدی به عنوان یک ادیب، مترجم و مصحح متفاوت است. موضوع اجتهاد وی نیز حوزه مستقل دیگری است.

در میان آثار فراوان شهیدی، دانش تاریخ جایگاه ویژه‌ای دارد و شاخص‌های برجسته در آثار وی به این دانش، اختصاص می‌یابد. اولین اثر وی در سال ۱۳۲۴ به موضوع مهدویت در اسلام اختصاص دارد. آثار برجسته دیگری که بعدها از وی چاپ شده است نیز بیشتر در حوزه تاریخ اسلام قرار دارد. برخی از این کتاب‌ها عبارت‌اند از: *جنايات تاريخ* (ج ۱ و ۲: ۱۳۲۷/ج ۳: ۱۳۲۹) *چراغ روشن در دنیای تاریک (یا زندگانی امام سجاد)* (۱۳۳۵)، *پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین* (۱۳۵۸)، *تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان* (۱۳۶۲)، *آشنایی با زندگانی امام صادق* (۱۳۶۲)، *زندگانی حضرت فاطمه* (۱۳۷۳)، *علی از زبان علی (شرح زندگانی امیرمؤمنان)* (۱۳۷۶)، *ترجمه: ابوذر غفاری نخستین انقلابی اسلام* (۱۳۲۰)، *شیرزن کربلا از بنت الشاطی* (۱۳۳۲)، *انقلاب بزرگ از طه حسین* (۱۳۳۶)، *مقاله‌ها: محمد خاتم پیامبران از ولادت تا بعثت* (۱۳۴۷)، *علامه امینی با همکاری محمدرضا حکیمی* (۱۳۵۱).

دلایل گزینش چنین رویکردی (تاریخی) در آثار وی به روشنی بیان نشده است اما به نظر می‌رسد بتوان آنها را در یافته‌های زیر خلاصه کرد:

۱. تحصیلات حوزوی در عراق (نجف اشرف) و ایران: درس تاریخ در این مراکز، همواره به عنوان یکی از دروس اصلی، جدال برانگیز و محور سخنرانی‌های بزرگان حوزه

بوده است.

۲. تحصیلات دانشگاهی و اخذ لیسانس از دانشگاه معقول و منقول در سال ۱۳۳۲: درس تاریخ، یکی از دروس تخصصی و اصلی این رشته بوده است.

۳. چالش‌ها و نیازهای امروزی جامعه اسلامی: شهیدی تاریخ را به عنوان دانشی که تنها به زندگی گذشتگان می‌پردازد، نمی‌شناسد بلکه آن را روزنه‌ای برای بیان نیازها و چالش‌های موجود در جوامع اسلامی دانسته و همواره بر آن بوده است تا آثار تألیفی خود را به سمت و سوی نیازهای امروزی هدایت کند.

جایگاه وی در میان تاریخ‌نویسان معاصر، چشم‌گیر است. اگر بخواهیم از چند تاریخ‌نویس برجسته معاصر نام ببریم، شهیدی در این گروه جای می‌گیرد. آثار و نوشته‌های وی مورد استناد و استفاده پژوهش‌گران، استادان و دانش‌جویان قرار دارد اما آنچه وی را از معاصرانش ممتاز و متمایز می‌کند اهتمام به تاریخ تشیع است. واقعیت این است که بسیاری از جنبه‌های تاریخ سیاسی و اجتماعی شیعه، همواره از سوی تاریخ‌نویسان مسلمان مورد غفلت قرار گرفته است. شهیدی بر آن بود تا این جنبه‌ها را با رویکردهای امروزی، بازکاوی و بازخوانی کند. آثار وی درباره زندگی حضرت فاطمه (س)، امام حسین ، امام سجاد و امام صادق از نمونه‌های بارز این تلاش است.

لازم به یادآوری است که تاکنون پژوهشی مستقل با این عنوان صورت نگرفته است. از این رو در این مقاله تلاش می‌شود که به تحلیل روش شناسی برخی از آثار تاریخی شهیدی بپردازیم. هم‌چنین در تحلیل مبانی نظری این پژوهش از آثار نویسندگانی هم- چون زرین کوب، قائم مقامی، یروفه یف، ساماران، کیتسن کلارک، اتحادیه و فولادوند استفاده می‌شود.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

در این بخش از پژوهش، به تحلیل مبانی روش شناسی و شاخص‌های سبکی در آثار تاریخی شهیدی می‌پردازیم.

### الف) دقت و احتیاط در تحلیل و تفسیر جریان‌های تاریخی

دقت در نقل و تحلیل رخدادهای تاریخی از ابزار اساسی کار یک مورخ است. برخی از پژوهش‌گران، درباره اهمیت و نیاز مورخ به این موضوع چنین می‌گویند:

اما آنچه هیچ تکنیک تازه‌ای نمی‌تواند مورخ را از آن بی‌نیاز بدارد دقت و احتیاط عالمانه است در بررسی اسناد و در تحلیل و تفسیر معقول و منطقی آنها. این دقت و احتیاط اگر مورخ را تا سرحدّ وسواس هم بکشاند رواست، چون بدون این دقت شخصی، استفاده از وسایل تکنیک جدید بی‌فایده خواهد بود - یا حتی گمراه‌کننده. وجود اسناد مشکوک یا مجعول که عمداً برای منحرف کردن مورخ درست شده است و تعدادی دشواری‌های دیگر، اموریست که از مورخ امروز دقت بیشتر طلب می‌کند و احتیاط بیشتر.<sup>۱۲</sup>

شیوه شهیدی در آثار تاریخی به این ویژگی، نزدیک است. وی در تحلیل اسناد و جریان‌های تاریخی با دقت و احتیاط فراوان عمل می‌کند. به عنوان نمونه در کتاب *زندگانی علی بن الحسین* در باب نام‌های گوناگون مادر امام به ویژه شهربانو، چالش ژرفی را در پژوهش‌های تاریخی گذشته در این زمینه مطرح می‌کند. این چالش، عدم دقت و تأمل تاریخ‌نویسان گذشته درباره داستان شهربانو را نشان می‌دهد. وی به عدم دقت تاریخ‌نویسان در این باره، چنین اشاره می‌کند:

اما اگر پژوهش‌گری این شهرت دراز مدت را نادیده بگیرد و خوش‌باوری یا اعتماد محض را کنار نهد و آنچه را محدثان و تاریخ‌نویسان قرن سوم نوشته‌اند، بی‌چون و چرا نپذیرد، بلکه به سر وقت سندهای آنان رود و با روش علمی به تحقیق در آن سندها بپردازد پس مضمون آن سندها را با قرینه‌های خارجی بسنجد برای او روشن خواهد شد که داستان شهربانو مصداقی درستی از این مثل تازی است که رُبّ مشهور لا اصل له.<sup>۱۳</sup>

سپس در ادامه با احتیاطی علمی به تحلیل موضوع می‌پردازد:

اما از دیدگاه تاریخ‌نویسی، نمی‌توان بحث را بدین اختصار پایان داد. بلکه تا حدّ ممکن باید اسناد را مقابله و بررسی کرد شاید حقیقت روشن گردد و یا لااقل راهی برای تحقیق آیندگان باز شود.<sup>۱۴</sup>

برخی از ترکیب‌ها و تعبیرهای استاد از این جریان و زندگانی امام به روشنی، دقت و احتیاط وی را در تحلیل پدیده‌های تاریخی بازگو می‌کنند. نمونه‌هایی از این موارد عبارت است از:

- این لقب‌ها را مردم به این امام داده‌اند، مردم نه به معنای لغوی این کلمه، بلکه به معنای اصطلاحی آن؛ یعنی صرافان گوهرشناس و عارفان انسان جو.<sup>۱۵</sup>

- متأسفانه تاکنون هرچه درباره شهریانو - باصالت یا ضمنی - نوشته شده - جز آنچه بعضی شرق‌شناسان نوشته‌اند - بر پایه همان شهرت است.<sup>۱۶</sup>

- فقره دیگر از عبارت حدیث نیز شایسته تأمل است.<sup>۱۷</sup>

- چنین بیتی در دیوان فرزندق دیده نمی‌شود.<sup>۱۸</sup>

- کسی که چگونگی حادثه کربلا را به دقت می‌خواند و از کشتار دسته جمعی خاندان پیغمبر اسلام - آن هم با چنان وضع دلخراش - آگاه می‌گردد و می‌بیند مردم به ظاهر مسلمان کوفه با فرزند پیغمبر خود و یاران او همان کردند که با کافران می‌کردند.<sup>۱۹</sup>

- برای این که پاسخ درستی برای این پرسش‌ها بیابیم نخست باید اجتماع اسلامی را درست و در دو مرحله از تاریخ بشناسیم.<sup>۲۰</sup>

- باز با مختصر دقت می‌توانیم دریابیم که ...<sup>۲۱</sup>

- این تاریخ‌نویسان خوش باور هیچ توجه نکرده‌اند که اگر حسن این چنین آسان بر سر مال با معاویه آشتی می‌کرد، پیروان وی یا او را زنده نمی‌گذاشتند یا چنان زبان خود را بر او دراز می‌کردند که دیگر نمی‌توانست در شهرهای مسلمان نشین آشکارا راه برود.<sup>۲۲</sup>

- پیداست که این روایت و یک دو حدیث دیگر در مقابل آن شهرت ارزشی ندارد و دور نیست که مصلحت وقت ساخته باشند.<sup>۲۳</sup>

- ممکن است به خاطر درست ندانستن زبان عربی و یا دسترسی نداشتن به سندهای خالی از تعصب قضاوتی کرده باشند.<sup>۲۴</sup>

#### ب) پیوند تاریخ‌نویسی با ادبیات

امروزه شیوه بیان تاریخ با ادبیات، به ویژه نثر ادبی، پیوندی ژرف و غیرقابل انکار دارد. دانش تاریخ برخلاف گذشته، دیگر به گردآوری محدود نمی‌شود، بلکه نویسندگان برای ورود به ذهن و اندیشه مخاطبان و تأثیرگذاری بر آنان از تکنیک‌های گوناگون ادبی استفاده می‌کنند. زرین کوب در این باره می‌نویسد:

از آن‌جا که تاریخ از لحاظ شیوه بیان با ادبیات ارتباط تام دارد قریحه

نویسندگی هم برای وی از اسباب عمده‌ی توفیق است در طرز عرضه کردن

تاریخ.<sup>۲۵</sup>

استعداد نویسندگی شهیدی و آگاهی وی از فرهنگ و ادب پارسی و عربی، وی را در این زمینه، بسیار یاری کرده است. تأمل در دو گفتار زیر، گواه روشنی از آگاهی و درک وی از ارزش‌مندی هنر ادبیات و پیوند آن با تاریخ است. او می‌نویسد:

آنان که در آن دوران تاریک از دیو و دد ملول شده بودند و با دیدن او

کسی را دیدند که آن دانشمند در روز روشن با چراغ گرد شهر در پی او می‌



گردید و نمی‌یافت. مصداق کاملی از «عباد الرحمن».<sup>۲۶</sup>

او هم چنین می‌نویسد:

و شاید کمتر قطعه و منظومه و قصیده‌ای از ادبیات مذهبی را بیابید که نام  
کربلا و شهیدان در آن نیامده باشد. کربلا تنها در برگیرنده مزار حسین نیست.  
آنجا سرزمین تلاش حق با باطل و جای نبرد عدالت با ستم است. خوابگاه  
آزادمردانی است که مرگ را بر ننگ ترجیح دادند و کشته شدن با افتخار را از  
زیستن در کنار ستمکاران و مظلوم‌کشان بهتر دانستند.<sup>۲۷</sup>

او در فصل پایانی کتاب «زندگانی فاطمه زهرا» در گزیده‌ای از شعر شاعران شیعی

عربی زبان، چنین می‌نویسد:

پس از اینان، سید اسماعیل حمیری، دعبیل خزاعی، منصور نمری، عبدی

کوفی و ده‌ها تن شاعر دیگر کوشیدند تا این مشعل را فروزان تر کنند.<sup>۲۸</sup>

### ج) پیوند واقعیت با علیّت

تجزیه و تحلیل حوادث تاریخ، بدون کشف علیّت تاریخی آن، امری ناممکن است. به  
نظر می‌رسد، تحلیل جریان‌های تاریخی براساس روش تفکر منطقی (قیاسی یا تحلیلی،  
استقرایی یا ترکیبی) اساس کار مورخ است.<sup>۲۹</sup>

شهیدی در آثار تاریخی خویش از روش استدلالی و کشف علّت‌ها، غافل نبوده است و  
آشنایی وی با فلسفه و منطق، وی را در این زمینه، بسیار یاری کرده است. در ادامه به  
چند نمونه از این روش در آثار وی اشاره می‌شود.

- اما شهربانو - که گویند در کربلا حاضر بود - چگونه به ایران افتاد و یا

اگر از عراق به حجاز رفت، چرا از آنجا به ایران هجرت کرد و این راه‌های دراز

را برای چه پیمود تا بدین سرزمین برسد و دشمن او را دنبال کند؟<sup>۳۰</sup>

- بار دیگر در این عبارت بنگرید. (چون به مسجد درآمد مسجد به نور او روشن شد) باید پرسید: چرا مسجد روشن شد؟ مشعلی برای او افروختند؟ و یا او آفتابی یا ماهی بود؟<sup>۳۱</sup>

- شکی نیست که داوران را برای چنین کاری نگزیدند. اصولاً از نخست چنین سخنی در میان نبود. داوران از حدود مسئولیت خود فراتر رفتند و به کاری پرداختند که صلاحیت آن را نداشتند. امام علی نیز هیچ‌گاه چنین داوری را نپذیرفته بود. چرا؟ چون از آغاز چنین سخنی در میان نبود.<sup>۳۲</sup>

- از این گذشته اگر فدک صدقه ای بوده که پیغمبر به موجب شئون امارت مسلمانان در آن دخالت می کرده است، چگونه به فاصله ربع قرن پس از مرگ وی خلیفه‌ای آن را تیول خویشاوند خود می‌کند؟<sup>۳۳</sup>

#### (د) نقد و ارزیابی اسناد

تشخیص صدق و کذب اسناد تاریخی و چگونگی نقد آنها از دشواری‌های پژوهش در عرصه تاریخ‌نویسی است. این آگاهی به تنهایی چاره‌ساز نیست، بلکه دستیابی به آن اسناد و مدارک نیز بسیار مهم است.<sup>۳۴</sup> شهیدی در آثار تاریخی خویش، تنها به نقل روایت‌ها و اسناد بسنده نمی‌کند بلکه با تأمل و ژرف اندیشی به نقد و ارزیابی اسناد می‌پردازد. به عنوان نمونه، وی در قضیه شهربانو و سایر موضوعات، این‌گونه به نقد و ارزیابی اسناد مربوطه می‌پردازد:

- اگر پژوهش‌گری... آن‌چه را محدثان و تاریخ‌نویسان قرن سوم نوشته‌اند، بی‌چون و چرا نپذیرد بلکه به سروقت سندهای آنان رود، و با روش علمی به تحقیق در آن سندهای آنان رود، و با روش علمی به تحقیق در آن سندها

بپردازد؛<sup>۳۵</sup>

- در اسناد دست اول و نزدیک به عصر اول نام مادر امام چهارم بدین

صورت‌ها دیده می‌شود.

- دیرینه‌ترین سند (تا آن‌جا که نویسنده جست و جو کرده است) که گوید؛<sup>۳۶</sup>

- اما این حدیث با چنین سند و متن پذیرفتنی یا لااقل در پذیرفتن آن می-

توان تردید کرد؛<sup>۳۷</sup>

- نخست از جهت سند در حدیث بنگریم؛<sup>۳۸</sup>

- بعضی مقتل نویسان، رقم را تا هشتاد هزار و یک صد هزار بالا برده‌اند.

مسعودی و طبری و مورخان پیشین، شمار آنان را که با پسر آمدند چهار هزار

تن نوشته‌اند. پیداست آن چنان‌که دسته اول در رقم و عدد دقت بکار نبرده‌اند،

آمار دسته دوم نیز از همان‌گونه است؛<sup>۳۹</sup>

- پیداست که یکی از راویان این مورخ چند گزارش را با یک دیگر درهم

ریخته است. آن‌چه درست‌تر به نظر می‌رسد این است که؛<sup>۴۰</sup>

- گزارش‌گران تاریخ در طول زمان، این دو عقیده یا این موافقت و مخالفت

را با یک دیگر درآمیخته و یکی کرده‌اند. در متن تاریخ‌های دست اول بدین

دوگونگی تصریح نشده است لکن متتبع از خلال گفتگوها و مقابله حوادث با هم

واقعیت را خواهد دریافت؛<sup>۴۱</sup>

- بی‌گمان این داستان را بدین صورت تاریخ نویسان دوره اموی ساخته‌اند

و یا این‌که حقیقت را دگرگون کرده و از خود دروغی بدان افزوده‌اند؛<sup>۴۲</sup>

- آن‌چه بر این جمله باید افزود این است که علمای پیشین هنگام بررسی

اخبار بیشتر به نقل روایت و کمتر به نقد آن از نظر درایت پرداخته‌اند.<sup>۴۳</sup>

#### ه) پیوند تاریخ تحلیلی اسلام با قرآن و حدیث

از ویژگی‌های برجسته سبک و شیوه شهیدی در تدوین کتاب‌های تاریخی، بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و حدیثی است. آغاز کردن عنوان‌ها و فصل‌های کتاب با قرآن و حدیث، برای خوانندگان آثار وی، امری آشنا و مشهور است. ایجاد چنین پیوندی، نشان دهنده رویکرد دینی و تحلیل عمیق وی از جریان‌های تاریخی است. به عنوان نمونه، وی یکی از علل رخداد عاشورا و شهادت اهل بیت را فساد سیاسی و اجتماعی حاکمان اموی و مردم می‌داند<sup>۴۴</sup> و موضوع را با این آیه شریفه (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ)<sup>۴۵</sup> آغاز می‌کند.

در نمونه‌ای دیگر، جریان خیانت و بی‌وفایی مردم کوفه در حق مسلم بن عوسجه را به سبب ضعف ایمان مردم می‌داند و موضوع را با حدیث شریف «الإيمانُ قيدُ الفتكِ» آغاز می‌کند.<sup>۴۶</sup>

هم‌چنین از این باره آمده است:

- این آیه در پاسخ این نكوهش کنندگان آمده است: سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ

النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ

يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ<sup>۴۷</sup>

#### و) آراستگی سبک تاریخ‌نگاری به فضیلت‌های اخلاقی

قضاوت و تحلیل رخدادها و پدیده‌های تاریخی، نیازمند برخورداری از فضیلت‌های گوناگون اخلاقی است. پرهیز از تعصب، غرور و خوپسندی، دخالت دادن عقیده شخصی، تکبر به معلومات خود، حبّ جاه و مقام، جبن شخصی، ترس، تملّق‌گویی، عاری بودن از کلیه اغراض، احساسات و عواطف انسانی، پرهیز از پیش‌داوری و شتاب و هر آنچه که موجب قلب حقیقت می‌شود در شمار این فضیلت‌های اخلاقی است. شهیدی به حق، آراسته به این فضیلت‌ها بود. در نوشته‌های وی، کشف حقیقت و تمییز حق از باطل هدف

اصلی اوست. وی به عنوان نمونه در مقدمه کتاب زندگانی علی بن الحسین از دوستانی که امام را با صفت بیمار به جامعه معرفی می‌کنند و مردم را از شناخت شخصیت واقعی ایشان، محروم می‌نمایند شکایت می‌کند و این‌گونه آنان را نکوهش می‌نماید:

آموزشی با چنان اسلوب ممکن است اثری نامطلوب در ذهن شنونده‌ای چون من بی‌بضاعت پدید آورد و دیگر مجالی برای وی فراهم نشود تا خطاهای انباشته در ذهن خویش را تصحیح کند و خدای نخواستہ نتیجه آن شود که شخصیتی بزرگوار - قطع نظر از مقام شامخ امامت و عصمت که شیعه بدان معتقد است - در مقابل سی سال تعلیم مسائل فقهی، ارشاد عملی، دستگیری بی‌منت از درماندگان، رأفت به مستمندان و زبردستان، در دهان شکستن سخنان ستمگران، خضوع و خشوع به درگاه پروردگار جهان و بالاخره به جای گذاشتن اثری در نهایت بلاغت و سخنانی در اوج فصاحت از شیعیان و دوستان خود لقب «بیمار» را بگیرد.<sup>۴۸</sup>

و در دوری خود از تعصب و غرور چنین می‌نویسد:

من در این کتاب آنچه نوشته‌ام چیزی است که تاریخ نویسان و جامعه شناسان اسلامی و حتی غیرمسلمان آن را پذیرفته‌اند.<sup>۴۹</sup>

هم‌چنین از اوست:

اما باید بگویم درک مقام او [امام] [از روی حقیقت و واقع، بیداست که در توانایی کسی مانند من نیست و چنان‌که در مقدمه کتاب دیگر نوشته‌ام، نمی‌گویم آنچه فراهم کرده‌ام حقیقت محض است ... حقیقت محض را جز خدای بزرگ نمی‌داند.<sup>۵۰</sup>

و یا در بیان خاطره گفت‌وگو با عبدالله عنان، استاد تاریخ از الجزائر و نقد سخن وی درباره لقب ابوالشهداء، یکی از القاب امام حسین و نام اثری مشهور از عباس محمود

العقاد می‌نویسد:

این پیرمرد مسلمان سال‌خورده که عمر خود را در تاریخ اسلامی سپری کرده است، چه ناسنجیده سخنی گفت: «چرا به حسین لقب ابوالشهداء داده‌اند؟ او شهید نیست تا چه رسد که سالار شهیدان باشد. او مردی بلندپرواز بود که خود را به کشتن داد» همین که نام «ابوالشهداء» را بر زبان آورد دانستم متأسفانه سینه این استاد که آفتاب عمرش بر لب بام رسیده از حسد هم پیشه خود خالی نیست. و بیش از ابوالشهداء، از مؤلف ابوالشهداء دلی پر دارد.<sup>۵۱</sup>

و نیز از اوست:

برای آن‌که پاسخ درست را بیابم دین و معتقدات خود را نادیده گرفته‌ام.<sup>۵۲</sup>

در جای دیگری چنین نوشته است:

گمان دارم بعضی نویسندگان سیرت و محدثان سنت و جماعت (اگر خدای

نخواستند دست‌خوش هوای نفس نشده‌اند).<sup>۵۳</sup>

### ز) روشنی و صراحت در بیان

توانایی و آگاهی شهیدی در تاریخ با روشنی و صراحت زبانی ترکیب شده است. در مطالعه آثار تاریخی وی دیده می‌شود که ایشان، نظر قطعی یا احتمالی خود را بدون دشواری و پیچیدگی بیان می‌کند. این ویژگی، سبب شده است که آثار وی مورد استفاده آموزشی و پژوهشی معاصران و توده‌های مردم قرار بگیرد. در زیر به نمونه‌هایی از صراحت‌های زبانی وی اشاره می‌شود:

- آری داستان شهربانو را نخست پندارها و افسانه‌ها پدید آورده، پس

واقعیت خارجی در پوشش خیال از دیده‌ها پنهان مانده است.<sup>۵۴</sup>

- من داستان شهربانور را باور نمی‌کنم چون سندهایی که این داستان در آن

آمده درست نیست.<sup>۵۵</sup>

- بهتر آن بود که بحث را بدین درازی نرسانم، اما نمی‌توانستم آن‌چه را

پیشینیان نوشته‌اند، بدون بررسی بپذیریم.<sup>۵۶</sup>

- بیشتر این وقایع بدان صورت که مورخان دیرین نوشته‌اند، رخ نداده

است.<sup>۵۷</sup>

- معاویه مردی حيله‌گر، دوراندیش و مردم‌شناس بود.<sup>۵۸</sup>

- هرچه هست قسمت دوم این نظر بسیار شگفت می‌نماید و نمی‌توان آن را

پذیرفت.<sup>۵۹</sup>

- متأسفانه مزار جای دختر بیغمبر نیز روشن نیست. از آن‌چه درباره مرگ او

نوشته شد و کوششی که در پنهان دانستن این خبر به کار برده‌اند، معلومست که

خانواده پیامبر در این باره خالی از نگرانی نبوده‌اند.<sup>۶۰</sup>

### ح) استشهاد و تمثیل

شهیدی در شمار نویسندگانی است که برای تحلیل و تفسیر پدیده‌های تاریخی به استشهاد و تمثیل‌های گوناگون تاریخی و غیر تاریخی اهمیت می‌دهند. استشهاد به شعر، قرآن، حدیث، رخدادهای تاریخی، قصه و ضرب‌المثل از جلوه‌های بارز این ویژگی در آثار اوست. در زیر به نمونه‌هایی از عبارتهای وی اشاره می‌شود:

- اما مسلمانی همه اینان بدان معنی نبود که حقیقت دین را دریافته و به

اخلاقی اسلامی آراسته گشته‌اند. قرآن در وصف این جماعت می‌گوید: (قَالَتِ

الْأَعْرَابُ ءَأَمَّانَا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ

إِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ لَا يَتَّكِمَنَّ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُوْرٌ رَحِيْمٌ)<sup>۶۱</sup>

- از این لقب‌ها سجّاد و زین‌العابدین شهرت بیشتری دارد و ذوالثّنات در تأیّیه دَعْبِل

آمده است:

دِيَارُ عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَ جَعْفَرٍ  
وَ حَمْرَةَ وَ السَّجَادِ ذِي الثَّنَاتِ ٦٢

- دعبل خزاعی شاعر شیعی مشهور قرن دوم و نیمه اول قرن سوم در این باره گفته

است:

أَصْبَحَ وَجْهَ الزَّمَانِ قَدْ ضَحِكَ  
بِرَدِّ مَا مَوَّنَ هَاشِمٍ قَدَاكَ ٦٣

- در نتیجه زید شهید شد (۱۲۱ هـ ق) و بدن او را بردار کردند و شاعر کلبی (حکیم

بن عیاش عور از شاعران وابسته به امویان) در این باره گفته است:

نَصَبْنَا لَكُمْ زَيْدًا عَلَى جِدْعِ نَخْلَةٍ  
وَ مَا كَانَ مَهْدِيٍّ عَلَى الْجِدْعِ يُنْصَبُ ٦٤

#### ط) استفاده از واژگان و ترکیب‌های عربی

تحصیل در حوزه علمیه و آشنایی ژرف شهیدی با متون دینی و عربی سبب شده است که کاربرد واژه‌ها و ترکیب‌های عربی در آثار وی از بسامد بالایی برخوردار باشد. نکته قابل تأمل این است که این آشنایی، سبب دشواری و پیچیدگی در آثار وی نشده است بلکه سبب استواری و قدرت زبانی وی شده است. در زیر به نمونه‌هایی از این ترکیب‌ها و واژگان اشاره می‌شود:

- اگر متبعی علاقمند بخواهد از؛ ٦٥

- گذشته از این استبعاد، چنان که نوشته‌اند؛ ٦٦

- محتملاً اکثریت قریب به اتفاق آنان نمی‌دانستند؛ ٦٧

- مهمترین کاری که یزید پس از تصدی خلافت باید می‌کرد؛ ٦٨

- آیا فرمانبرداری یزید می‌تواند موجب تشریح حکمی و نسخ حکمی دیگر

شود؟؛ ٦٩

- محتملاً این شرق‌شناس محترم. ٧٠



### ی) کاربرد ترکیب‌های عطفی

مقصود از ترکیب‌های عطفی دو یا چند واژه‌اند - خواه اسم یا صفت یا فعل - که با حرف عطفی در میان از پی هم بیایند. این گونه ترکیب‌ها سبب زیبایی و تفسیر بیشتر موضوع می‌شوند.<sup>۷۱</sup> این ویژگی در مدل نوشتاری شهیدی فراوان است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- این تجزیه و تحلیل در نخستین نظر بسیاری طبیعی و منطقی می‌نماید؛<sup>۷۲</sup>

- با خطبه‌ای کوتاه و با عباراتی کوبنده که در روحیه چنان مردم بی‌فکر و

زود باور اثری عمیق و آتی می‌نهاد؛<sup>۷۳</sup>

- عموم مورخان و محدثان قدیم، چون کلینی و مفید و ابن شهر آشوب و

علی بن عیسیٰ اربلی و صاحب موالید اهل البیت از شیعه، و مُصَعَّب زبیری و ابن

سعد و بلاذری و بسط ابن جوزی و ابن خلکان و هم‌چنین ابن حجر عسقلانی از

اهل سنت؛<sup>۷۴</sup>

- زید، مردی عالم، پارسا، مخالف ستمکاران و از بزرگان اهل بیت بود؛<sup>۷۵</sup>

- نویسنده کتاب، ردپایی از جعل و افتراء و یا اشتباه خود به جا می-

گذارد.<sup>۷۶</sup>

### ک) ترکیب‌سازی‌های ویژه و شیوا

تشخیص و تمییز ترکیب آفرینی یا ترکیب‌های خاص شهیدی در تاریخ نگاری، دشوار و نیازمند پژوهشی مستقل است اما با بررسی آثار وی می‌توان به این دیدگاه کلی دست یافت که برخی از ترکیب‌ها و تعبیرها، آن‌چنان در نوشتار وی جای گرفته است که می‌توان بر آنها، نام شهیدی را ثبت کرد. در این بخش از پژوهش به نمونه‌هایی از این ترکیب‌ها و تعبیرهای خاص وی اشاره می‌شود:

- اگر کسی بخواهد ... به چنین نتیجه‌ای برسد؛<sup>۷۷</sup>

- کسی که چگونگی ... را به دقت بخواند ... برای او این سؤال، پیش می‌آید

که؛<sup>۷۸</sup>

- شگفت این‌که؛<sup>۷۹</sup>

- تردیدی نیست که؛<sup>۸۰</sup>

- باید متوجه بود که؛<sup>۸۱</sup>

- حال که چنین است باید دید؛<sup>۸۲</sup>

- مضمون روایت‌ها ...، چنان شگفت و ناپذیرفتنی است؛<sup>۸۳</sup>

- باری در این سندها؛<sup>۸۴</sup>

- باری اگر از این افسانه بگذریم؛<sup>۸۵</sup>

- و شگفت است؛<sup>۸۶</sup>

- باری شخصیت مورد بحث ما؛<sup>۸۷</sup>

- باری مطابق این مأخذ؛<sup>۸۸</sup>

- باری اگر فرزددق این بیت‌ها را؛<sup>۸۹</sup>

- باری پس از پایان یافتن جنگ نهروان؛<sup>۹۰</sup>

- شگفت این است که؛<sup>۹۱</sup>

- باری چون دختر پیغمبر دانست که.<sup>۹۲</sup>

این ویژگی سبکی، سبب شده است که میان محتوا و عوامل برون‌متنی، پیوندی ژرف پدید آید. مخاطب متن با بهره‌گیری از شیوایی ظاهری و روانی بیان به درک محتوا و مضمون، تشویق و ترغیب می‌شود و کمتر دچار خستگی و دوری از متن می‌شود.

#### ن) پرهیز از اغراق و مبالغه

اغراق و مبالغه در تفسیر و تحلیل رخدادهای تاریخی یکی از آفت‌های مشهور این

دانش است. شهیدی با درک این موضوع، همواره در بیان دیدگاه‌های خویش و تحلیل جریان‌ها از آن به دور مانده است. در عبارت‌های زیر به روشنی دیده می‌شود که شهیدی چگونه نوشتار خود را از این آفت، سالم نگه می‌دارد.

- روایت‌های شیعی حداقل سپاهیان کوفه را بیست هزار تن نوشته‌اند. این

رقم، چندان مبالغه‌آمیز نیست.<sup>۹۳</sup>

- گروهی از عوام و دسته‌ای از حسینیان بدین نسبت فخر کرده‌اند که

حسینیان نبوت و پادشاهی را در خود جمع کرده‌اند، این سخنی بی‌اساس است.<sup>۹۴</sup>

- نمی‌خواهم چون بعض گویندگان قدیم بگویم فاطمه **۸** در هر روز بقدر

یک‌ماه و در هر ماهی به قدر یک سال دیگران رشد می‌کرد اما تا آن‌جا که می

دانم و اسناد نشان می‌دهد نه ضعیف بنیه و نه رنگ پریده و نه مبتلا به بیماری

بوده است.<sup>۹۵</sup>

- و شما پس از خواندن این کتاب خواهید دید آن‌چه می‌گویم گزاف یا

اغراق نیست.<sup>۹۶</sup>

### م) کاربرد اسلوب استفهام

پرسش‌هایی که شهیدی درباره جریان‌ها و پدیده‌های تاریخی مطرح می‌کند برای مخاطبان آثار وی قابل تأمل است. فلسفه اصلی این پرسش‌ها، کشف حقیقت و فراخوانی مخاطبان به تأمل در حقیقت و همراهی با نویسنده است. در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

- چه شد که اجتماع مسلمان آن روز در مقابل این حادثه تا آن حد

خونسردی و بی‌اعتنایی نشان داد؟ چرا مردم این سرزمین‌های پهناور و

پرجمعیت، حالت تماشاگر صحنه را به خود گرفتند؟ چه شد که پس از گذشت

نیم قرن آن اندازه از فقه اسلام و احکام دین بی‌اطلاع ماندند که ندانستند چگونه منکری می‌کنند و چه ننگی دامگیرشان می‌شود؟<sup>۹۷</sup>

- مشکل دیگری که در صورت پذیرفتن این روایت با آن روبه رو خواهیم شد، اینست که شهریانو چه سال و در کجا اسیر شده؟ اگر جزء اسیر خراسانست، خراسان در دوره عثمان گشودند نه در خلافت عمر. پس در نتیجه آوردن شهریانو به مسجد مدینه و گفت و گوی او با عمر نادرست خواهد بود. و اگر در عهد خلافت عمر اسیر شده باشد، اسیری او در یکی از نبردهای قادیسیه، مدائن یا نهاوند بوده است که در این صورت داستان از دو جهت پذیرفتنی نیست.<sup>۹۸</sup>

- به راستی خوارج می‌خواستند؟<sup>۹۹</sup>

- پس از صدور رأی داور شام بود که خوارج به یک باره برآشفتنند و

گفتند: حکومت از آن خداست. چرا چنین گفتند؟<sup>۱۰۰</sup>

- اما آنان چه گفته‌اند و چه شنیده‌اند هم‌زبان شده‌اند؟ به اعتراض برخاسته-

اند؟ نمی‌دانیم.<sup>۱۰۱</sup>

#### ن) حضور نویسنده در متن

شهیدی در آثارش همراه با مخاطبان، می‌گوید و می‌نویسد. خواننده آثارش، چنین تصور می‌کند که نویسنده، حضوری پویا و فعال در آموزش و فراگیری متن دارد. در این بخش به گفته‌هایی از ایشان اشاره می‌شود که بیان‌گر حضور شخصیت نویسنده و گفت-وگویی او با مخاطبان در متن نوشتار است.

- نویسنده سی سال پیش که چنین بحثی را گشود، نوشت: من داستان

شهریانو را باور نمی‌کنم؛<sup>۱۰۲</sup>

- در صورتی که خواهیم دید؛<sup>۱۰۳</sup>

- چنان که دیدیم:<sup>۱۰۴</sup>

- بیشتر مقتل نویسان و تاریخ گزاران شیعی سخنانی را که می نویسم به او

نسبت داده اند؛<sup>۱۰۵</sup>

- حادثه ای که از نو درباره آن به جست و جو برخاسته ام به تازگی رخ نداده

است؛<sup>۱۰۶</sup>

- نمی دانم هرگز پای این مرد باهلی به خانه مختار و شریک رسیده و با

مسلم بیعت کرده بود یا نه؟<sup>۱۰۷</sup>

- چنان که دیدیم:<sup>۱۰۸</sup>

- نمی دانم این سخن را او گفته است، یا تاریخ نویسان عصر عباسی؛<sup>۱۰۹</sup>

- چنان که بارها نوشته ام روایت سازی و یا دگرگون ساختن متن.<sup>۱۱۰</sup>

### ص) شهیدی و نظریه پردازی تاریخی

یکی از چالش های اساسی و امروزی این دانش در میان مسلمان، ضعف تئوری است. بررسی علت ها و ریشه های این موضوع، نیازمند پژوهش های دقیق و تخصصی است که از چارچوب این پژوهش، بیرون است. شهیدی در این زمینه، به ویژه آن چه مربوط به تاریخ اسلام و تشیع است، با اندیشه ای ناب و مستقل به بیان دیدگاه ها و آرای خود در زمینه رخدادهای تاریخی و شخصیت های جهان اسلام می پردازد. تأمل در گفته های زیر، جای گاه وی را در نظریه پردازی تاریخی بازگو می کند:

- اما از دیدگاه تاریخ نویسی نمی توان بحث را بدین اختصار پایان داد. بلکه

تا حد ممکن باید اسناد را مقابله و بررسی کرد شاید حقیقت روشن گردد؛<sup>۱۱۱</sup>

- نقطه اختلاف ما با بعضی مورخان و جامعه شناسان قدیم و امروز -

مسلمان یا غیرمسلمان - در همین جاست؛ آنها به قیام حسین از دید سیاست می -

نگرند در حالی که او از این قیام، دین را می‌خواست؛<sup>۱۱۲</sup>

- و داستان‌هایی از این قبیل که مورخان ساده‌لوح چون طبری و دیگران در کتاب خود آورده‌اند و متأسفانه بعضی آن داستان‌های بی‌اصل دستاویزی برای شرق‌شناسان و معاندان اسلام گردید؛<sup>۱۱۳</sup>

- کمتر حادثه تاریخی است که از رنگ تبلیغات سیاسی امویان و عباسیان و یا تعصبات دینی، مذاهب مختلف برکنار مانده و حقیقت آن دگرگون نشده باشد. به این نتیجه رسیدم که برای دریافتن حقیقت تاریخی - هرچند براساس مظنه و احتمال هم باشد - خواندن متن تاریخ آن سال‌ها به تنهایی کافی نیست، بلکه باید تاریخ را با دیگر شرایط، از جمله وضع جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی سنجیده، چنان‌که شیوه علمی تاریخ‌نویسان امروز هم همین است.<sup>۱۱۴</sup>

- کسانی که پژوهش تاریخ را عهده دار می‌شوند جز مطالعه اسناد و تتبع در گزارش‌های گوناگون و مقابله و جرح و تعدیل روایت‌ها چاره‌ای ندارند.<sup>۱۱۵</sup>

از این رو به نظر می‌رسد، شهیدی مصداق بارز این جمله ابن خلدون است:

دیده بصیرت می‌تواند اخبار را انتقاد کند و صحیح را برگزیند و به نیروی

دانش می‌توان صفحات صواب را روشن و تابناک ساخت.<sup>۱۱۶</sup>

### نتیجه

۱. شیوه و سبک تاریخ‌نگاری شهیدی، برخوردار از روش علمی پژوهش در این دانش است. وی درباره مبانی نظری پژوهش در تاریخ، آگاهی لازم را داشته است و این آگاهی سبب شده است که از بسیاری خطاها مصون بماند. از این رو، بیهوده نیست که اگر گفته شود شهیدی در تاریخ، دارای سبک و شیوه ویژه‌ای است که می‌توان نام شهیدی را بر آن نهاد.

۲. شیوایی و رسایی در نگارش از ویژگی‌های بارز و ممتاز آثار تاریخی شهیدی است. افزون بر این، سبک وی از نظر زبانی به چند ویژگی دیگر نیز آراسته است. ویژگی‌هایی مانند پرهیز از دشوار نویسی و پیچیده‌گویی، استفاده از ترکیب‌های عطفی و تفسیری، کاربرد استشهاد و تمثیل، بهره‌گیری از واژه‌ها و ترکیب‌های زبان عربی.

۳. فلسفه تاریخ و نگارش آن در آثار شهیدی، جست و جو و کشف حقیقت و پرهیز از تعصب قومی و مذهبی است. این مسئله سبب شده است که وی بتواند باب تازه‌ای را در تاریخ‌نگاری باز کند و سبک و شیوه او که برخوردار از پشتوانه‌های نظری است، مورد استقبال و تأیید مخاطبان و پژوهش‌گران عرصه تاریخ قرار گیرد.

## پی‌نوشت‌ها

## 1. Methodology.

۲. صدیقه شاکری، روش‌شناسی علم تاریخ، نامه جامعه، ش ۴، ۱۳۸۳، ص ۴۱-۴۷.
۳. جهانگیر قائم مقامی، روش تحقیق در تاریخ نگاری، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸، ص ۸-۹.
۴. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۲۷-۵۱، ۵۲-۷۱، ۱۱۰، ۱۳۸-۱۶۷.
۵. شارل ساماران، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه گروه مترجمان، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۶۵، ۲۴۹، ۲۸۷.
۶. ادوارد هانت کار، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، چاپ دوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۷، ۱۲۹.
۷. آ. یروفه یف مان، تاریخ چیست؟، ترجمه محمد تقی زاده، چاپ اول، بی‌جا: نشر جوان، ۱۳۶۰، ص ۹۷، ۹۸، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۶۹، ۱۷۰.
۸. کارل یا سپرس، آغاز و انجام تاریخ، چاپ دوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۳۵۵.
۹. جهانگیر قائم مقامی، پیشین، ص ۷۴-۷۵.
۱۰. صدیقه شاکری، پیشین، ص ۴۱-۴۷.
۱۱. حسین حاتمی، درآمدی بر روش‌شناسی تاریخی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۲۲، ۱۳۸۷، ص ۶۹-۷۱.
۱۲. عبدالحسین زرین کوب، پیشین، ص ۱۱۰.
۱۳. سیدجعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، چاپ اول، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۹.



۱۴. همان، ص ۱۰.
۱۵. همان، ص ۸.
۱۶. همان، ص ۱۰.
۱۷. همان، ص ۱۴.
۱۸. همان، ص ۲۵.
۱۹. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، چاپ دهم، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۱۴.
۲۰. همان، ص ۲۰.
۲۱. همان، ص ۲۵.
۲۲. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۱۴۵.
۲۳. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، چاپ بیست و چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۵۲.
۲۴. همان، ص ۱۶۰.
۲۵. عبدالحسین زرین کوب، پیشین، ص ۱۱۰.
۲۶. سیدجعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، پیشین، ص ۸.
۲۷. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۶۶.
۲۸. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ص ۱۸۹.
۲۹. جهانگیر قائم مقامی، پیشین، ص ۳۴-۴۷.
۳۰. سید جعفر شهیدی.
۳۱. همان، ص ۱۳.
۳۲. سیدجعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۱۳۱.
۳۳. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ص ۱۱۸.

۳۴. ر. ک: عبدالحسین زرین کوب، پیشین، ص ۱۱۰، ۱۱۲.
۳۵. سیدجعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، پیشین، ص ۹.
۳۶. همان، ص ۱۲.
۳۷. همان، ص ۱۳.
۳۸. همان.
۳۹. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۶۲.
۴۰. همان، ص ۱۵۰.
۴۱. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۱۲۹.
۴۲. همان، ص ۱۴۵.
۴۳. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ص ۹۱.
۴۴. همو، زندگانی علی بن الحسین، پیشین، ص ۷۹.
۴۵. روم (۳۰) آیه ۴۱.
۴۶. سیدجعفر شهیدی، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۲۸.
۴۷. بقره (۲) آیه ۱۴۲. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۵۸.
۴۸. سید جعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، پیشین، ص ۵.
۴۹. همان.
۵۰. همان.
۵۱. سیدجعفر شهیدی، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۲۰.
۵۲. همان.
۵۳. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ص ۱۲۴.

۵۴. همو، زندگانی علی بن الحسین، پیشین، ص ۹.
۵۵. همان، ص ۱۰.
۵۶. همان، ص ۲۲.
۵۷. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۴.
۵۸. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۱۶۳.
۵۹. همان، ص ۱۳۴.
۶۰. همو، زندگانی فاطمه زهرا **8**، پیشین، ص ۱۶۳.
۶۱. حجرات (۴۹) آیه ۱۴. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۲۷.
۶۲. همان، ص ۸.
۶۳. همو، زندگانی فاطمه زهرا **8**، پیشین، ص ۱۱۸.
۶۴. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۱۹۸.
۶۵. همو، زندگانی علی بن الحسین ، پیشین، ص ۶۳.
۶۶. همان.
۶۷. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۸۷.
۶۸. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۱۶۳.
۶۹. همان، ص ۱۷۰.
۷۰. همو، زندگانی فاطمه زهرا **8**، ص ۵۳.
۷۱. محمدفرید راستگوفر، سبک نوشته‌های بابا افضل کاشانی از دیدگاه زبانی، فصل نامه سبک شناسی نظم و نثر فارسی، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۲۶۷-۲۸۲.
۷۲. سیدجعفر شهیدی، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۳.
۷۳. همان، ص ۱۲۸.

۷۴. همان، ص ۲۹.
۷۵. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۱۹۸.
۷۶. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ص ۵۰.
۷۷. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، ص ۹.
۷۸. همان، ص ۱۴.
۷۹. همان، ص ۱۷، ۷۳.
۸۰. همان، ص ۶۴؛ ص ۷۹.
۸۱. همان، ص ۷۵.
۸۲. همان، ص ۱۲.
۸۳. همان، ص ۱۶.
۸۴. همان، ص ۲۲.
۸۵. همان، ص ۲۶.
۸۶. همان، ص ۹.
۸۷. همان، ص ۵۰.
۸۸. همان، ص ۶۱.
۸۹. همان، ص ۱۳۲.
۹۰. همان، ص ۱۳۴.
۹۱. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۱۲۲.
۹۲. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ص ۱۲۰.
۹۳. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۶۲.
۹۴. همو، زندگانی علی بن الحسین، پیشین، ص ۱۷.
۹۵. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ص ۱۴۵.

۹۶. همان، ص ۷.
۹۷. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۵.
۹۸. همو، زندگانی علی بن الحسین، پیشین، ص ۱۷.
۹۹. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، پیشین، ص ۱۲۹.
۱۰۰. همان، ص ۱۳۰.
۱۰۱. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ۱۳۶.
۱۰۲. همو، زندگانی علی بن الحسین، پیشین، ص ۱۰.
۱۰۳. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۲۱.
۱۰۴. همان، ص ۱۸۰.
۱۰۵. همان، ص ۱۸۱.
۱۰۶. همان، ص ۶.
۱۰۷. همان، ص ۱۳۸.
۱۰۸. همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، ص ۱۸۱، ۱۹۹.
۱۰۹. همان، ص ۱۷۰.
۱۱۰. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، ص ۱۱۵.
۱۱۱. همو، زندگانی علی بن الحسین ، پیشین، ص ۱۰.
۱۱۲. همو، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین ، پیشین، ص ۱۱۹.
۱۱۳. همان.
۱۱۴. همان.
۱۱۵. همو، زندگانی فاطمه زهرا **ع**، پیشین، ص ۱۱۵.
۱۱۶. ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ چهارم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۱۶.